

گزیده‌ای از:

# استراتژی ایران برای کاهش ریسک هسته‌ای

شکل‌دهی به محاسبات اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی

انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک

THE  
WASHINGTON INSTITUTE  
for Near East Policy 

نوامبر ۲۰۲۲

# چکیده مدیریتی

موقت وادار به توقف یا به عقب برگرداندن عناصر برنامه هسته‌ای خود برای کسب اهداف مهم دیگر کرد (اجتناب از محکومیت دیپلماتیک، دریافت معافیت از تحریم‌ها، به رسمیت شناسی «حق غنی‌سازی» خود). همزمان، ایران تلاش کرد دیگر بخش‌های برنامه هسته‌ای خود را پیش ببرد، و برنامه‌های موشکی و پهپادی خود را شتاب دهد، نیروهای دریایی خود را ارتقا دهد، و گروه‌های نیابتی و شرکای خود در منطقه را تقویت کند. استراتژی کاهش ریسک ایران، با ایجاد توانمندی بازدارندگی نهفته، ممکن است بسیاری از منافع یک زرادخانه هسته‌ای را بدون ریسک‌ها و هزینه‌های اشاعه فعال تامین کند.

اما این راهبرد ناروشن و شاید دوجوهی می‌تواند فرصت‌هایی برای تلاش‌های تحت رهبری آمریکا ایجاد کند تا گزینه‌های مربوط به اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی را شکل دهد؛ یعنی با استفاده از نگرانی‌های تهران درباره ریسک‌ها و هزینه‌های اشاعه و، همزمان، تردیدافکنی درباره سودمندی به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای. از این راه، آمریکا ممکن است بتواند برنامه هسته‌ای ایران را بیشتر به تاخیر بیندازد و، در نتیجه، زمان بخرد تا اهرم‌های اضافی فشار را توسعه بخشد و محیط منطقه‌ای را طوری شکل دهد که جمهوری اسلامی به مهار جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود ترغیب شود.

تجربه متعارف می‌گوید ایران تسلیم فشارهای عادی نمی‌شود، بلکه فقط به فشار شدید تسلیم می‌شود. اما آمریکا با تکیه عمده بر تحریم‌های اقتصادی برای وادارسازی ایران، بیش از حد به فقط یکی از ابزارها در جعبه ابزار سیاست خود وابستگی پیدا کرده است. در حالی که تلاش تهران برای ایجاد یک «اقتصاد مقاومتی» خودکفا، و ژئوپولیتیک متغیر نفت و گاز می‌تواند سودمندی تحریم‌های اقتصادی را به عنوان یک اهرم فشار محدود کند.

علاوه بر این‌ها، برخی منتقدان ادعا می‌کنند که فقط تهدید نظامی جدی می‌تواند مانع دستیابی ایران به بمب اتمی شود.

در زمانی که این متن نوشته می‌شود، ایران به سرعت در حال انباشت ذخایر اورانیوم با عیار عالی است؛ این نقطه اوج دهه‌ها تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای پیشرفته و برخوردار از گزینه سلاح‌های هسته‌ای است. در ماه‌ها و سال‌های آتی، تلاش‌ها برای منصرف کردن و بازداری ایران از انباشت مواد شکافت‌پذیر، رسیدن به آستانه تسلیح هسته‌ای، یا تولید بمب، در کانون سیاست آمریکا خواهد بود؛ چه واشنگتن موفق شود توافق هسته‌ای چندجانبه ۲۰۱۵ با ایران (برنامه جامع اقدام مشترک، یا برجام) را احیا کند چه نشود.

هرچند دیپلماسی، تحریم‌های اقتصادی، و پیشنهاد کاهش تحریم‌ها کماکان اساس این تلاش‌ها خواهد بود، آمریکا باید تمام عناصر قدرت ملی دیپلماتیک، اطلاع‌یابی، نظامی، اقتصادی، و سایبری— را برای شکل دادن به محاسبات تهران در اشاعه هسته‌ای و منصرف کردنش از فعالیت‌هایی به کار ببندد که می‌تواند منجر به کسب بازدارندگی هسته‌ای نهفته یا وسیله ساخت بمب شود.

بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳، ایران یک برنامه ضربتی مخفی برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای داشت. افشای آن برنامه در آگوست ۲۰۰۲ و ترس از حمله به ایران در پی تهاجم آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳، ایران را به این نتیجه رساند که ریسک‌های احتمالی و هزینه‌های اشاعه فعال (یعنی ساخت بمب) بزرگ‌تر از آن است که قبلاً پیش‌بینی می‌شد. برای همین در اکتبر ۲۰۰۳ فعالیت تسلیحاتی را عمدتاً متوقف کرد اما به فعالیت‌های تسلیحاتی مخفیانه و، همین‌طور، تلاش آشکار و پنهان برای غنی‌سازی ادامه داد. بعد از آنکه این تلاش‌ها در سال ۲۰۰۹ فاش شد، ایران یک استراتژی کاهش ریسک اتخاذ کرد تا بتواند بسیاری از توانمندی‌های مورد نیاز برای برنامه سلاح‌های هسته‌ای را توسعه دهد و، همزمان، ریسک انجام این کار را هم مدیریت کند.

این استراتژی کاهش ریسک باعث ایجاد رویکردی محتاطانه و تدریجی شد که در چندین مورد ایران را به طور

بزرگ‌تر علیه اهداف نظامی، اقتصادی، و دستگاہ رهبری ایران تبدیل شود؛

- آسیب‌پذیری سلاح‌های هسته‌ای در برابر خرابکاری یا حملات سایبری، که می‌تواند زرادخانه هسته‌ای نوپای ایران را به شمشیری دولبه تبدیل کند که علیه خود ایران به کار گرفته شود؛
- تاثیر بی‌ثبات‌کننده استقرار موشک‌های متعارف و هسته‌ای هردو، که می‌تواند از سودمندی نیروی موشکی متعارف ایران بکاهد و احتمال خطای محاسباتی در یک بحران یا جنگ را افزایش دهد؛
- آسیب‌پذیری شدید ایران در مقابل یک حمله اتمی حتی محدود با توجه به مرکزیت سیاسی، اقتصادی، و نظامی تهران، که منجر به یک فاجعه ملی بی‌سابقه خواهد شد؛
- سودمندی نظامی محدود کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در جهت محافظت از رژیم و قدرت‌نمایی آن؛
- احتمال بروز موجی از گرایش به سلاح‌های هسته‌ای در منطقه که می‌تواند تهدید وجودی علیه ایران ایجاد کند.

برخی فعالیت‌های استراتژی شکل‌دهی — مثلا عملیات تاثیرگذاری بر محاسبات برای تشدید نگرانی تهران از ریسک‌ها، هزینه‌ها، و منافع نامعلوم سلاح‌های هسته‌ای — باید مستمر و مداوم باشد. فعالیت‌های دیگر باید زمینه‌ساز اقداماتی شود که فقط وقتی ایران از خطوط قرمز آمریکا عبور کند اجرا خواهند شد: انزوای دیپلماتیک، اعمال تحریم‌های سخت، کارزار خرابکاری و براندازی و، به عنوان آخرین چاره، اقدام نظامی.

هدف اصلی باید منصرف کردن یا بازدارندگی ایران از انباشت، رسیدن به آستانه تسلیح، یا ساخت بمب باشد. برای این منظور، واشنگتن باید دنبال توافق فراگیر با متحدان و شرکا راجع به خطوط قرمز هسته‌ای باشد که عبور از آن‌ها باعث فشار بی‌سابقه بر ایران (از جمله احتمال اقدام نظامی) برای ممانعت از موارد زیر باشد:

- انباشت اورانیوم با عیار عالی (خط قرمزی که هم‌اکنون از آن عبور شده) یا تولید مواد شکافت‌پذیر کافی برای تولید سلاح هسته‌ای — که بازدارندگی هسته‌ای نهفته ایجاد کرده باشد؛
- انتقال اورانیوم با عیار عالی یا اورانیوم تسلیحاتی به سایت‌های مخفی تحقیق و توسعه (خارج از پادمان)

این رویکرد اغلب بر پایه این پیش‌فرض تلویحی است که ایران قاطعانه مصمم به کسب سلاح‌های هسته‌ای است. نتیجه آن، سیاستی است که منحصر بر ایجاد اختلال و بازدارندگی تمرکز دارد. اما گرچه تهدید نظامی جدی برای استراتژی شکل‌دهی موثر محاسبات ایران ضروری است، ممکن است کافی نباشد؛ چون تهدیدات نظامی فقط یکی از عوامل متعددی است که احتمالا محاسبات مربوط به اشاعه هسته‌ای تهران را شکل می‌دهد. ازین گذشته، حمله نظامی پیشگیرانه همیشه امکان‌پذیر نیست: منابع اطلاعات تجسسی ممکن است از بین برود؛ و زره‌پوش کردن، مدفون کردن، و پراکنده‌سازی [دارایی‌های هسته‌ای] ممکن است در نهایت برنامه هسته‌ای ایران را از دسترس خارج کند؛ بحران‌ها در جاهای دیگر دنیا نیز ممکن است مانع اقدام نظامی موثر آمریکا شود.

در نتیجه، استراتژی شکل‌دهی به محاسبات اشاعه هسته‌ای ایران وقتی احتمال موفقیت دارد که رهیافتی فراگیر و کلیت‌نگر به مسئله اتخاذ کند. این استراتژی باید بر اشکال پایدار فشار تکیه کند و در پی تاثیرگذاری بر بیشترین عوامل سازنده ممکن در محاسبات هسته‌ای ایران باشد. این استراتژی نباید منحصر بر اجبار تکیه کند؛ بلکه باید با ظرافت در پی ترغیب تصمیم‌گیرندگان ایرانی باشد که دریابند جاه‌طلبی در دستیابی به سلاح هسته‌ای اهداف حیاتی دیگرشان را به خطر خواهد انداخت و، بنابراین، خویشتن‌داری در اشاعه هسته‌ای به نفع بلندمدت جمهوری اسلامی است.

خواه آمریکا و ایران به پایبندی متقابل به برجام برگردند یا داشتن استراتژی شکل‌دهی ضروری خواهد بود و باید از نگرانی تصمیم‌گیرندگان ایرانی در موارد زیر بهره‌برداری یا آن‌ها را تشدید کند:

- تبدیل شدن ایران به یک دولت مطرود — که مانع ایران از شکل‌دهی نظام بین‌المللی مطابق منافع خود می‌شود؛
- پتانسیل بی‌ثبات‌کنندگی تحریم‌های سخت — خصوصا اگر با تلاش برای تحریک ناآرامی‌ها در جمهوری اسلامی از طریق کارزار خرابکاری و براندازی ترکیب شود؛
- پیش‌بینی ناپذیری رفتار آمریکا و احتمال اینکه در نهایت مایل به استفاده از زور برای عقیم کردن جاه‌طلبی هسته‌ای ایران شود؛
- ویرانی ناشی از حمله پیشگیرانه اسرائیل یا آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران، که ممکن است به یک عملیات

هرچند برنامه هسته‌ای طولانی ایران هنوز به ساخت بمب نرسیده است، ممکن است به نقطه عطفی نزدیک باشد. آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران برای زمینه‌سازی جانشینی خود نسل تازه‌ای از تندروهای ایدئولوژیک را وارد مدیریت کشور کرده است که سیاست آینده ایران را تعیین خواهند کرد، و این افراد میزان تعهدشان به استراتژی کاهش ریسک نامعلوم است.

بنابراین، واشنگتن باید آماده این احتمال باشد که تهران ممکن است در استراتژی کاهش ریسک خود تجدیدنظر کند و اشاعه فعال را از سر بگیرد. ایران چه بسا هدف رسیدن به آستانه تسلیح اتمی را به صورت آهسته اما آشکار در پیش بگیرد (اگر هم اکنون در حال انجامش نباشد) یا احتمالاً پیگیری مخفیانه سلاح‌های هسته‌ای را از سر بگیرد. شاید هم به احتمال بیشتر، به پله بعدی نردبان اشاعه برود — یعنی افزایش مرحله به مرحله غنی‌سازی برای تولید اورانیوم تسلیحاتی یا از سرگیری فعالیت تسلیحاتی سری. این نکات باز هم نیاز فوری به استراتژی شکل‌دهی را نشان می‌دهد تا بتوان بر محاسبات اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی تأثیر نهاد تا «ریسک‌گریز به تداوم گریز از ریسک» تن دهد؛ مبادا انفعال به نتیجه‌ای ختم شود که آمریکا دهه‌ها تلاش کرده از آن دوری کند.

یا تاسیسات مخفی غنی‌سازی یا تسلیح — که توانمندی «ضدبیماران» رسیدن به آستانه تولید بمب هسته‌ای ایجاد کرده باشد؛

• تحقیق، توسعه، یا تولید اجزای سلاح‌های هسته‌ای و مونتاژ آن‌ها به صورت بمب که یک سلاح هسته‌ای بازدارنده فراهم کرده باشد.

این خطوط قرمز بایستی بی‌سروصدا به تهران منتقل شود، هر چند باید امیدوار بود که موفقیت استراتژی شکل‌دهی ضرورت استفاده از آن‌ها را مرتفع کند. اما واشنگتن با یک تنگنا روبه‌روست. ایران هم‌اکنون در حال تولید اورانیوم با عیار عالی است، که زمان باارزش اندکی را برای پاسخ آمریکا و متحدانش باقی می‌گذارد اگر جمهوری اسلامی سریعاً اقدام به غنی‌سازی در سطح تولید سلاح هسته‌ای کند.

پس واشنگتن باید با استفاده از تمام ابزارهای ممکن، غیر از نیروی نظامی، بر تهران فشار آورد تا روند جاری انباشت اورانیوم با عیار عالی را متوقف کند — و در صورت امکان، به عقب برگرداند — و درعین حال تصریح کند که آمریکا از نیروی نظامی برای ممانعت از تولید مواد شکافت‌پذیر در سطح تسلیحاتی استفاده خواهد کرد.

# دیباچه

و اداریه توقف یا به عقب برگرداندن عناصر برنامه هسته‌ای خود برای کسب اهداف مهم دیگر کرد (یعنی اجتناب از محکومیت دیپلماتیک، دریافت معافیت از تحریم‌ها، به رسمیت شناساندن «حق غنی‌سازی» خود). همزمان ایران تلاش کرد دیگر بخش‌های برنامه هسته‌ای خود و همین‌طور ستون‌های اساسی استراتژی امنیت ملی خود را پیش ببرد: برنامه‌های موشکی و پهپادی خود را شتاب داد، نیروهای دریایی خود را ارتقا بخشید، و گروه‌های نیابتی و شرکای خود را در لبنان، سوریه، عراق، یمن، و اراضی فلسطینی تقویت کرد.

تا حدی به خاطر همین استراتژی کاهش ریسک، ایران شاید طولانی‌ترین برنامه تدارک تسلیحات هسته‌ای دنیا را دارد اما هنوز نتوانسته بمب بسازد — گرچه چندین عامل دیگر که منجر به تاخیر شد به این نتیجه کمک کرد: کمبود پرسنل، دشواری‌های تحقیق و توسعه، مشکلات در مدیریت پروژه و یکپارچه‌سازی سیستم، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های خارجی و کنترل‌های صادراتی، و خرابکاری خارجی. ایران همچنین تنها کشور دنیاست که سلاح‌های هسته‌ای ندارد ولی اورانیوم غنی شده با عیار عالی تولید می‌کند.<sup>۲</sup> اما استراتژی کاهش ریسک ایران، با ایجاد توانمندی بازدارندگی نهفته، ممکن است بسیاری از منافع یک زرادخانه هسته‌ای را بدون ریسک‌ها و هزینه‌های اشاعه فعال (یعنی ساخت بمب) تامین کند.

ولی این راهبرد ناروشن و شاید دووجهی می‌تواند فرصت‌هایی برای تلاش‌های تحت رهبری آمریکا ایجاد کند تا گزینه‌های مربوط به اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی را شکل دهد؛ مثلاً با استفاده از نگرانی‌های تهران درباره ریسک‌ها و هزینه‌های اشاعه، و همزمان تردیدافکنی درباره سودمندی کاربرد سلاح‌های هسته‌ای. از این راه، آمریکا ممکن است بتواند برنامه هسته‌ای ایران را بیشتر به تاخیر بیندازد و، در نتیجه، زمان بخرد تا اهرم‌های اضافی فشار را توسعه بخشد و به محیط منطقه‌ای از راه‌هایی شکل دهد که بتواند جمهوری اسلامی را ترغیب کند از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود دست بردارد.

همزمان با نگارش این متن، ایران به سرعت در حال افزایش ذخایر اورانیوم غنی شده با عیار عالی است — این نقطه اوج دهه‌ها تلاش برای تبدیل شدن به قدرت هسته‌ای پیشرفته و برخوردار از گزینه سلاح اتمی است. در ماه‌ها و سال‌های آتی، تلاش‌ها برای منصرف کردن و بازدارندگی ایران از انباشت مواد شکافت‌پذیر، رسیدن به آستانه تسلیح هسته‌ای، یا تولید یک بمب، در کانون سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی خواهد بود. این یک واقعیت است، خواه واشنگتن موفق شود توافق هسته‌ای چندجانبه ۲۰۱۵ با ایران را با اسم رسمی «برنامه جامع اقدام مشترک»، یا برجام — بین جمهوری اسلامی و آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه، چین، و اتحادیه اروپا احیا کند خواه موفق نشود.

گرچه دیپلماسی، تحریم‌های اقتصادی، و پیشنهاد رفع تحریم‌ها اساس این‌گونه تلاش‌ها باقی خواهد ماند، آمریکا و متحدان و شرکایش باید تمام عناصر قدرت ملی — دیپلماتیک، اطلاع‌یابی، نظامی، اقتصادی، و سایبری — را به کار بندد تا به محاسبات تهران در زمینه اشاعه هسته‌ای شکل دهد و مانع فعالیت‌هایی شود که می‌تواند منجر به کسب بازدارندگی هسته‌ای نهفته یا وسیله ساخت بمب شود (جدول ۱ را ببینید).

بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳، ایران یک برنامه ضربتی مخفی برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای داشت. افشای آن برنامه در آگوست ۲۰۰۲ و ترس از حمله به ایران در پی تهاجم آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳، تهران را وادار کرد تا در اکتبر ۲۰۰۳ و ماه‌های بعد از آن فعالیت تسلیحاتی را در بسیاری زمینه‌ها متوقف کند، ولی به فعالیت‌های مخفیانه در زمینه تسلیحات و نیز تلاش‌های غنی‌سازی آشکار و پنهان ادامه داد. بعد از آنکه تلاش برای غنی‌سازی در سال ۲۰۰۹ فاش شد، ایران استراتژی کاهش ریسک اتخاذ کرد که توانست به طور تدریجی به سمت توانمندی‌های مورد نیاز برای برنامه تسلیحاتی هسته‌ای پیشرفت کند و، همزمان، ریسک انجام این کار را هم مدیریت کند.<sup>۱</sup>

این استراتژی کاهش ریسک در قالب رویکردی محتاطانه و آهسته اجرا شد که در موارد متعددی ایران را به طور موقت

# گزینه‌های اتمی ایران

<b>انباشت</b>	<p><b>گزینه‌ها</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>تولید و ذخیره اورانیوم با عیار عالی و/یا اورانیوم تسلیحاتی در تأسیسات تحت محافظت پادمانی</li></ul> <p><b>اهداف</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>اهرم نیروی قهری، بازدارندگی نهفته</li></ul>
<b>آستانه تسلیح *</b>	<p><b>گزینه‌ها</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>جابه‌جایی/توزیع اورانیوم با عیار عالی به سایت‌های مخفی تحقیق و توسعه/تأسیسات غنی‌سازی مخفی (خارج از پادمان)</li><li>جابه‌جایی/توزیع اورانیوم تسلیحاتی به سایت‌های مخفی تحقیق و توسعه/تأسیسات غنی‌سازی مخفی</li></ul> <p><b>اهداف</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>اهرم نیروی قهری، بازدارندگی نهفته مطمئن</li></ul>
<b>بمب</b>	<p>بازدارندگی ناشی از سلاح اتمی</p> <p style="text-align: center;">←</p> <p><b>گزینه‌ها</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>اجزای بمب تولید می‌شود/سلاح‌ها مونتاژ نشده باقی می‌ماند</li><li>ایجاد زرادخانه ترکیبی از سلاح‌های مونتاژ شده/مونتاژ نشده</li><li>ایجاد زرادخانه‌ای که در حالت‌های مختلف هشدار/آمادگی نگه داشته می‌شوند</li></ul> <p><b>اهداف</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li>ارعاب، اهرم نیروی قهری، بازدارندگی تسلیحاتی هسته‌ای</li></ul>

\* یادداشت: تعریف «آستانه تسلیح» در این جدول، گسترده‌تر از تعریفی است که در مطالب علمی حوزه منع اشاعه به کار می‌رود. این تعریف شامل فعالیت‌های ناروشن هم می‌شود. عملاً انتقال اورانیوم با عیار عالی یا اورانیوم تسلیحاتی به سایت‌های تحقیق و توسعه — که شاخص‌های اصلی نیت احتمالی برای اشاعه هستند. در مقابل، تعریف سنتی به طور کلی بر فعالیت‌هایی متمرکز دارد که به ساخت بمب مربوط باشد — و فاقد شاخص نیت اشاعه است که ممکن است مانع هشدار به‌موقع و پاسخ موثر شود. بازتعریف «آستانه تسلیح» به این ترتیب ضروری است تا کشوری مثل ایران که بارها موافقت‌نامه‌های پادمانی و تعهدات برجامی را نقض کرده است نتواند از ابهام برای پیشبرد جاه‌طلبی هسته‌ای خود بهره‌برداری کند.

## جدول ۱. گزینه‌های هسته‌ای ایران

دستیابی به سلاح هسته‌ای اهداف حیاتی دیگر آنان را به خطر خواهد انداخت؛ بنابراین، خویشتن‌داری در اشاعه هسته‌ای در بلندمدت به نفع جمهوری اسلامی است. چون هرچند ایجاد یک گزینه هسته‌ای، هدفی مهم در سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی است، صرفاً یکی از چندین هدفی است که رژیم ممکن است در هر زمانی پیگیری کند.

داشتن این استراتژی شکل‌دهی چه آمریکا و ایران به پابندی متقابل به برجام برگردند یا برنگردند ضروری خواهد بود. گرچه بازگشت به برجام موقتا توانایی ایران برای پیگیری انباشت، رسیدن به آستانه تسلیح، یا ساخت بمب را مهار خواهد کرد، برجام مشکل جاه‌طلبی هسته‌ای ایران را حل نمی‌کند. منتهای مراتب، «کار را به تعویق می‌اندازد» و از بحران جلوگیری می‌کند تا وقتی که: (۱) مهم‌ترین محدودیت‌های توافق برداشته شود و ایران اجازه یابد ظرفیت غنی‌سازی را به میزان چشمگیری بعد از سال ۲۰۲۸ افزایش دهد و بعد از سال ۲۰۳۱ مقدار نامحدودی از اورانیوم با عیار عالی یا اورانیوم تسلیحاتی تولید کند؛<sup>۴</sup> (۲) آمریکا یک بار دیگر از توافق خارج شود؛ یا (۳) ایران توافق را نقض کند، مواد شکافت‌پذیر را از تاسیسات تحت محافظت به جای دیگری منتقل کند، یا تلاش کند با ساخت بمب از پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) خارج شود.

پس، اگر تلاش برای احیای برجام موفقیت‌آمیز باشد، این استراتژی تا وقتی محدودیت‌های اصلی توافق منقضی شود، نقش کلیدی برای شکل‌دهی به انتخاب‌های ایران خواهد داشت. اگر هم تلاش برای احیای توافق شکست بخورد، استراتژی شکل‌دهی، به‌طور پیش‌فرض، طرح جانشین (B) آمریکا خواهد بود، و شاید تنها راه برای مهار جاه‌طلبی هسته‌ای ایران طی دوره تشدید تنش باشد. حال که آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران برای زمینه‌سازی جاننشینی خود نسل تازه‌ای از تندروهای ایدئولوژیک را پرورش می‌دهد و این گروه ممکن است در نهایت به سیاست کاهش ریسک ایران خاتمه دهند، طراحی یک استراتژی شکل‌دهی پایدار به امری فوق‌العاده ضروری بدل شده است.

تجربه می‌گوید ایران تسلیم فشار متعارف نمی‌شود، بلکه فقط به فشار شدید تسلیم می‌شود.<sup>۳</sup> ولی هر قدر هم که تحریم ابزار نیرومندی باشد، آمریکا با تکیه عمده بر تحریم‌های اقتصادی برای وادار ساختن ایران، بیش از حد به فقط یکی از ابزارها در جعبه ابزار سیاست خود وابستگی پیدا کرده است. در مقابل، تلاش تهران برای ایجاد یک «اقتصاد مقاومتی» خودکفا، و ژئوپولیتیک متغیر نفت و گاز که می‌تواند تقاضای مداوم برای منابع انرژی ایران را تا سال‌ها تضمین کند ممکن است در نهایت سودمندی تحریم‌های اقتصادی را به عنوان یک اهرم فشار محدود سازد.

علاوه بر این‌ها، برخی منتقدان ادعا می‌کنند که فقط تهدید نظامی جدی می‌تواند مانع دستیابی ایران به بمب اتمی شود. این رویکرد اغلب بر پایه این پیش‌فرض تلویحی است که ایران قاطعانه مصمم به کسب سلاح‌های هسته‌ای است. نتیجه آن، سیاستی است که منحصر بر اختلال و بازدارندگی تمرکز دارد. اما همان‌گونه که در ادامه نشان داده خواهد شد، هرچند تهدید نظامی جدی برای استراتژی شکل‌دهی موثر ضروری است، ممکن است کافی نباشد؛ چون تهدیدات نظامی فقط یکی از عوامل متعددی است که احتمالاً محاسبات تهران را در اشاعه هسته‌ای شکل می‌دهد. از این گذشته، حمله نظامی پیشگیرانه همیشه امکان‌پذیر نیست: منابع اطلاعاتی ممکن است از بین برود؛ زره‌پوش کردن، مدفون کردن، و پراکنده‌سازی [دارایی‌های هسته‌ای] ممکن است در نهایت برنامه هسته‌ای ایران را از دسترس خارج کند؛ و بحران‌ها در جاهای دیگر دنیا ممکن است مانع اقدام نظامی موثر آمریکا شود.

در نتیجه، استراتژی شکل‌دهی به محاسبات ایران در اشاعه هسته‌ای وقتی احتمال موفقیت دارد که رهیافتی فراگیر و کلیت‌نگر به مسئله اتخاذ کند. این استراتژی باید بر اشکال پایدار فشار تکیه کند و در پی تاثیرگذاری بر بیشترین عوامل سازنده ممکن در محاسبات هسته‌ای ایران باشد. این استراتژی نباید منحصر بر اجبار تکیه کند؛ بلکه باید با ظرفیت در پی ترغیب تصمیم‌گیرندگان ایرانی بر این اساس باشد که جاه‌طلبی در

## یادداشت‌ها:

1. *Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change*, Middle East Studies Monograph 7 (Marine Corps University, November 2015), 4–5, 15–16, 27–30, available at <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/strategic-culture-islamic-republic-iran-religion-expediency-and-soft-power-era>; Michael Eisenstadt, *Deterring Iran in the Gray Zone: Insights from Four Decades of Conflict*, Policy Note 103 (Washington DC: Washington Institute, 2021), 3–6, 12, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/deterring-america-gray-zone-insights-four-decades-conflict>.
2. Eric Brewer, "Iran on the Nuclear Brink," *Foreign Affairs*, June 17, 2022, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2022-06-17/iran-nuclear-brink>.
3. Karim Sadjadpour, "What the U.S. Gets Wrong About Iran," *New York Times*, August 12, 2022, <https://www.nytimes.com/2022/08/12/opinion/iran-america-nuclear-policy.html>.
4. David Albright, Sarah Burkhard, and Spencer Faragasso, "The Nuclear Deal in Charts, Assuming a Revived Nuclear Deal," Institute for Science and International Security, October 20, 2022, <https://isis-online.org/isis-reports/detail/the-nuclear-deal-in-charts-assuming-a-revived-nuclear-deal>

# توصیه های سیاست گذاری

در برابر حمله اتمی»).

طی جنگ سرد دنیا چند بار به جنگ اتمی نزدیک شد. در اوج بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲، طی جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳- که نتیجه موارد کثیری از هشدارهای کاذب و حوادث بود.<sup>۴</sup> سناریوهای مشابه می تواند دوباره طرح شود اگر ایران به سلاح های هسته ای دست یابد. اگر سیاست کاهش ریسک ایران در نهایت به یک رقابت هسته ای منطقه ای و بی ثبات کننده ختم شود، ریسک ها بزرگ تر خواهد بود و مسائل پیچیده تر هم خواهد شد. با توجه به این ریسک ها، ایران از بحث های هسته ای که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در آمریکا و جاهای دیگر مطرح بود سود زیادی خواهد برد.

بحث های آن دوره به لطف تلاش کنشگران ضد هسته ای و فیلم هایی مثل در ساحل (۱۹۵۹)، دکتر استرنجلاو (۱۹۶۴)، وضعیت رفع خطر (۱۹۶۴)، حادثه بدفورد (۱۹۶۵)، و روز بعد (۱۹۸۳) شکل گرفت که محدودیت های احتمالی بازدارندگی هسته ای و هولناک بودن جنگ اتمی را به شهروندان دموکراسی های دنیا آموخت. در نهایت، افکار عمومی انگیزه ای برای تلاش در جهت کاستن از رقابت تسلیحاتی عصر جنگ سرد ایجاد کرد؛ حاصل آن موافقت نامه های کنترل تسلیحات بود که به کاهش تنش میان آمریکا و اتحاد شوروی کمک کرد و باعث کاهش چشمگیر زرادخانه اتمی آن ها شد.<sup>۵</sup>

انتظار یک چنین بحث عمومی در ایران و تاثیر گذاری آن بر سیاست جمهوری اسلامی، با توجه به وسعت کنترل رژیم بر گفتمان عمومی، شاید غیر واقع گرایانه به نظر برسد. اما تجربه نشان داده است که جمهوری اسلامی به رغم ماهیت استبدادی (و جاه طلبی روزافزون توتالیتری آن)، گاهی به افکار عمومی داخلی پاسخ می دهد. برای همین، و به خصوص با توجه به آسیب روحی عمومی و ماندگار از جنگ ایران و عراق، تهران به طور کلی از درگیری های خارجی بالقوه پرهزینه اجتناب کرده و هرگاه ممکن بوده بر نیروهای نیابتی عرب و دیگران برای انجام خواست های خود تکیه کرده است. در داخل کشور، هر از

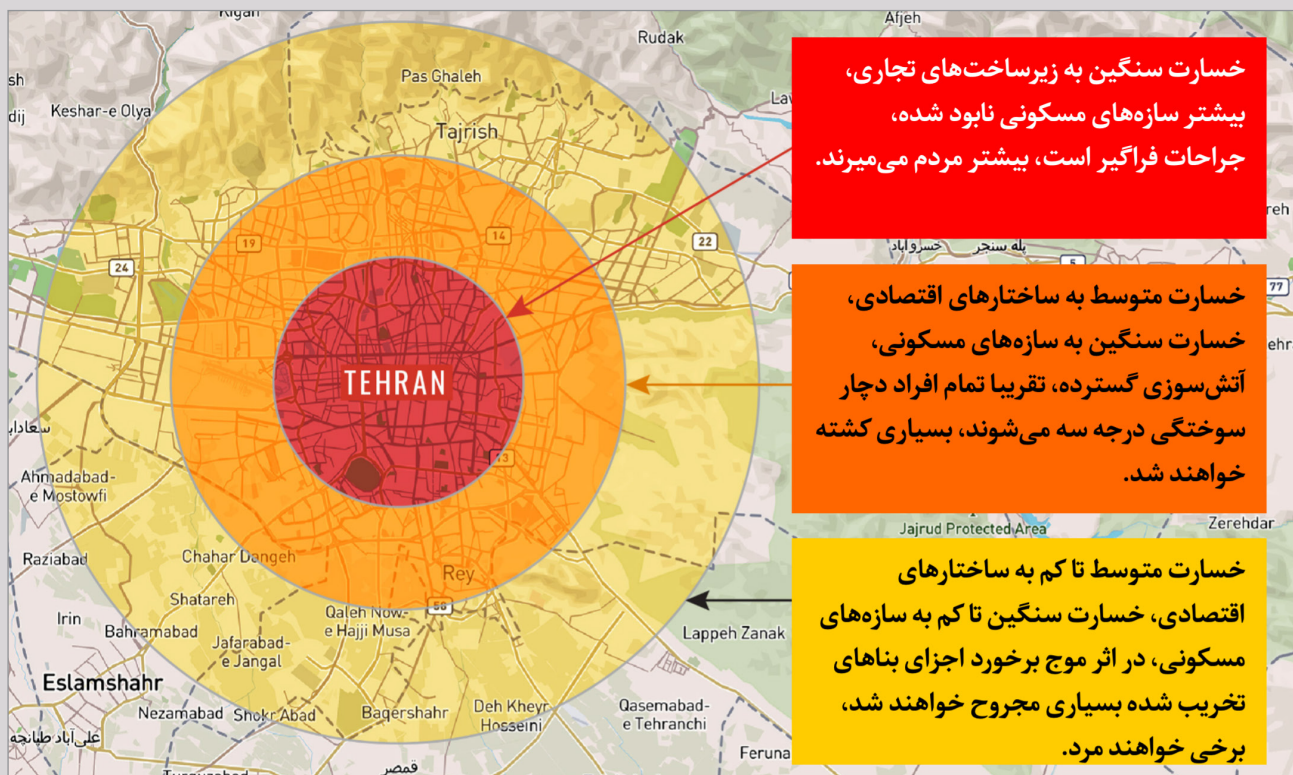
آسیب پذیری های هسته ای ایران. بحث عمومی در ایران درباره برنامه هسته ای به طور سنتی محدود بوده است، و عمدتاً بر مطرح ساختن علنی «حق غنی سازی» رژیم و منافع فرضی انرژی و تکنولوژی هسته ای تمرکز داشته است.<sup>۱</sup> این بحث نه به آسیب پذیری های پروژه هسته ای که ایران در حال اجرای آن بوده زمین لرزه، حملات سایبری، خرابکاری، تروریسم، و حملات نظامی- پرداخته است نه به احتمال اینکه برنامه هسته ای رژیم ممکن است کشورهای همسایه را تحریک کند تا به دنبال سلاح های هسته ای بروند.<sup>۲</sup> و چون رژیم هر گونه علاقه به سلاح های هسته ای را انکار کرده- حتی وقتی در حال کسب ابزارها و دانش ساخت آن ها بوده- هیچ بحث عمومی درباره واقعیات هولناک جنگ هسته ای شکل نگرفته است. مقامات ایرانی حتی درباره آسیب پذیری اسرائیل در برابر سلاح های هسته ای اندیشیده اند- با توجه به کوچک بودن اسرائیل و پرجمعیت بودن منطقه ساحلی آن- ولی آسیب پذیری های کشور خودشان را نادیده گرفته اند.

برای همین، اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور اسبق در سخنرانی خود در روز قدس در سال ۲۰۰۱ گفت:

اگر روزی دنیای اسلام هم به تسلیحاتی مثل آنچه اسرائیل دارد مسلح شود، استراتژی استکبار جهانی به بن بست خواهد رسید، چون استفاده از حتی یک بمب داخل اسرائیل همه چیز را نابود خواهد کرد. ولی این امر فقط به دنیای اسلام آسیب می زند. تفکر درباره چنین احتمالی نامعقول نیست.<sup>۳</sup>

اما ایران که ۷۵ درصد جمعیتش در شهرها زندگی می کنند، یکی از کشورهای دارنده بالاترین جمعیت شهری خاورمیانه و آسیاست که آن را به ویژه در برابر حمله اتمی بسیار آسیب پذیر می کند. و با توجه به تمرکز بالای زیرساخت های دولتی، صنعتی، و آموزشی در تهران، این شهر در برابر یک حمله ویرانگر علیه پایتخت برای سرنگونی رهبری نظام بسیار آسیب پذیر است (تصویر پایین را ببینید، «آسیب پذیری ایران





## اثرات یک انفجار هوایی ۱ مگاتنی بر فراز تهران

انفجار یک بمب یک-مگاتنی بر فراز تهران بخش بزرگی از ساکنان شهر را هلاک می‌کند و تمام کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بیش از ۱۵ درصد تمام جمعیت ایران در تهران بزرگ زندگی می‌کنند؛ بیش از ۵۰ درصد صنایع کشور، ۳۰ درصد نیروی کار دولتی، و بیشتر نهادهای آموزش عالی (پنج‌جاه دانشگاه و دانشکده) در تهران است.<sup>۷</sup> میلیون‌ها انسان، دولت مرکزی، و بیشتر اقتصاد کشور به سرعت برق نابود خواهند شد. تهران یک هدف تقریباً ایده‌آل برای حمله اتمی است چون کوه‌هایی که شهر را احاطه کرده‌اند همچون بازتابنده‌های طبیعی عمل می‌کنند - در نتیجه آثار انفجار اتمی شدت می‌یابد.<sup>۸</sup>

Source: Adapted from Alex Wellerstein, NUKEMAP 2.72, <https://nuclearsecrecy.com/nukemap/>

## آسیب‌پذیری ایران در برابر حمله اتمی

در سال ۲۰۱۳، محققان «انستیتوی مدیریت فاجعه» در دانشگاه جورجیا پیامدهای جنگ اتمی بین اسرائیل و ایران را با استفاده از اثرات طبقه‌بندی نشده سلاح‌ها و نرم‌افزارها و برنامه‌های کامپیوتری پیش‌بینی ریزش ذرات رادیواکتیو حمله اتمی شبیه‌سازی کردند. این تحقیق در فرضیه خود حمله اسرائیل را شامل چهل-و-دو بمب (یک‌چهارم تا یک‌دوم زرادخانه فرضی اسرائیل) با توان انفجاری مختلف (۱۵ تا ۵۰۰ کیلو تن) علیه ۱۸ شهر بزرگ ایران از جمله تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، و شیراز در نظر گرفت؛ و نیز فرض کرد چند شهر بزرگ‌تر از جمله تهران هدف چندین حمله قرار گیرد.<sup>۹</sup>

این تحقیق تلفات بسیار بالایی را پیش‌بینی کرد که دلیل آن شکل فشرده شهرهای ایران، استانداردهای پایین ساخت و ساز، و ناتوانی نظام بهداشت و درمان ایران برای مدیریت انبوه بیماران مبتلا به سوختگی، ضربه روانی، و تشعشعات است. علاوه بر آن، بسیاری از آسیب دیدگان به خاطر کمبود مراقبت‌های درمانی جان می‌سپارند. برآورد تلفات، بالای بیست میلیون کشته (از جمله تقریباً تمام ساکنین تهران در برخی سناریوها) و دو میلیون مجروح است. حمله بزرگ‌تری از سوی اسرائیل منجر به تلفاتی به همان نسبت بزرگ‌تر خواهد شد. در هر دو حالت، پیامدها برای ایران ویرانگر خواهد بود (شکل پیوست را ببینید).<sup>۱۰</sup> بنابراین، هر حمله اتمی ده‌ها میلیون ایرانی را بلافاصله و میلیون‌ها تن دیگر را در ماه‌ها و سال‌های بعدی به دلیل جراحات،

گرسنگی، بیماری و تشعشع اتمی خواهد کشت. بیشتر سیستم بهداشت و درمان کشور و تأسیسات (برق، آب، فاضلاب) در حمله نابود می‌شود و آنچه می‌ماند برای تامین نیاز بازماندگان ناکافی خواهد بود. نتیجه محتمل بحران بهداشت عمومی و شیوع همه‌گیری‌هایی خواهد بود که جان‌های بیشتری را خواهد گرفت. فروپاشی شبکه توزیع خوراک می‌تواند منجر به قحطی در برخی مناطق و سوءتغذیه در جاهای دیگر شود.

بسیاری از مناطق نیز شاهد فروپاشی نظم عمومی خواهد بود که منجر به بروز غارت و بی‌قانونی گسترده و همچنین فروپاشی انسجام اجتماعی می‌شود. به خاطر تلفات انبوه در نیروی کار و خسارت به بخش‌های تولید و کشاورزی، کارکرد اقتصاد ملی به شدت مختل خواهد شد. این، به‌علاوه نابودی نهادهای دولت مرکزی در تهران بزرگ، بازسازی کشور را به میزان زیادی به تاخیر خواهد انداخت. جایگاه ایران نیز در منطقه، به خاطر آنکه تقلاً می‌کند خود را از آوار جنگ اتمی بیرون بکشد، به شدت ضعیف خواهد شد. حتی یک حمله اتمی محدود در ایران به عنوان فاجعه‌ای هم‌تراز با حمله مغول در قرن سیزدهم که اثراتش تا صدها سال حس می‌شد در یادها خواهد ماند. با توجه به عظمت مشکلات اقلیمی، محیط‌زیستی، و جمعیتی که ایران (و بیشتر منطقه) در دهه‌های بعد با آن روبه‌رو می‌شود، یک جنگ اتمی ممکن است مصیبتی باشد که ایران هرگز از آن قامت راست نکند.<sup>۱۱</sup>

موضوع آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران استفاده کند. باید بی‌سروصدا به تهران اطلاع دهد که رفتن دنبال انباشت اورانیوم عیار بالا، رسیدن به آستانه تسلیح، یا ساختن بمب منجر به فشار بی‌سابقه دیپلماتیک، اقتصادی، و نظامی خواهد شد. جمهوری اسلامی باید بفهمد که نه تنها با ریسک نابودی زیرساخت هسته‌ای خود روبه‌رو خواهد شد که با نابودی اهداف مهم نظامی و اقتصادی و هدف گرفتن مقامات کلیدی‌اش در زنجیره فرماندهی نظامی و هسته‌ای روبه‌رو می‌شود.

تهدید جدی نظامی عنصر ضروری در هرگونه استراتژی شکل‌دهی به محاسبات است؛ هرچند به دلایل درست، آمریکا و اسرائیل اقدام نظامی پیشگیرانه را به عنوان آخرین چاره در نظر دارند. حمله پیشگیرانه آمریکا به زیرساخت هسته‌ای ایران احتمالاً شامل اقدام نظامی و حملات سایبری هردو خواهد بود و، در مقابل، موجی از حملات پهن‌پایه، موشکی، و نیابتی ایران علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه را بر می‌انگیزد و نیز علیه اهدافی در کشورهای منطقه که تصور شود از حمله به ایران حمایت کرده‌اند.<sup>۱۸</sup> جمهوری اسلامی شاید به حملات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی آمریکا نیز دست بزند؛ هرچند در این شیوه احتمالاً فاقد توانایی دستیابی به اثرات واقعا استراتژیک است.

ضربه متقابل نظامی تهران بی‌شک تجربه‌ای دردناک برای دریافت‌کنندگان آن خواهد بود، هرچند با توجه به برتری آمریکا در تنش نظامی و توانایی نابودسازی هر دو زیرساخت نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی، احتمالاً ایران نحوه پاسخ خود را خواهد سنجید. این احتمال هم هست که تهران در صورت دست دادن فرصت به سرعت تنش‌زدایی کند و به نوعی از فعالیت «منطقه خاکستری» سطح پایین برگردد که برای دهه‌ها مشغول آن بوده است. علاوه بر این، توانایی ایران برای تنش‌افزایی محدود است؛ تا حدی به خاطر نیاز به اجتناب از بیگانه ساختن غیرضروری کشورهای زیادی که به نفت و گاز منطقه وابسته‌اند (به‌ویژه چین). بنابراین، بعید است که یک حمله پیشگیرانه منجر به بروز جنگ شود، چیزی که هم آمریکا و هم ایران می‌خواهند از آن اجتناب کنند، و اکنون چهل سال است که در انجامش موفق بوده‌اند.<sup>۱۹</sup>

در مقابل، یک حمله پیشگیرانه از سوی اسرائیل پتانسیل تبدیل شدن به یک درگیری وسیع‌تر و طولانی‌تر با شرکت طیفی از بازیگران، از حزب‌الله لبنان تا شبه‌نظامیان نیابتی عراقی و حتی (به میزان کمی) حوثی‌ها در یمن را دارد.<sup>۲۰</sup> و همیشه این احتمال هست که نهایتاً پای آمریکا را وسط بکشد — یکی از بدترین حالت‌ها برای ایران — که برای همین هم

گاهی از تحمیل حجاب اجباری و همین‌طور ممنوعیت نصب ماهواره کاسته، چون ناخشنودی عمومی از این اقدامات را درک کرده است.

تهران تاکنون دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را به عنوان هدفی ملی اعلام نکرده است، بنابراین، بحث عمومی در این باره — هرچند محدود — ممکن است باعث شود که جمهوری اسلامی بمب نسازد. برانگیختن چنین بحثی در ایران، به خاطر تاثیر روزافزون تندروهایی که ممکن است بیشتر مایل به حمایت از توسعه سلاح‌های هسته‌ای باشند، بسیار مهم است.<sup>۱۲</sup> سیاست‌گذاری آمریکا باید در جهت کار کند که مانع از شکل‌گیری توافق نخبگان سیاسی در ایران بر سر مطلوبیت دستیابی به زرادخانه اتمی شود و، به این ترتیب، احتمال تداوم استراتژی کاهش ریسک افزایش یابد.<sup>۱۳</sup> باید امیدوار بود که برای چنین بحثی خیلی دیر نشده باشد، و دولت آمریکا و سازمان‌های غیردولتی مستقل باید هر کار می‌توانند بکنند تا چنین بحثی آغاز شود؛ و لازمه آن انتشار اطلاعات مستند از طریق شبکه‌های اجتماعی و به زبان فارسی درباره تسلیحات اتمی و اثرات‌شان است و، همچنین، با نمایش فیلم‌هایی که در بالا اشاره شد (با زیرنویس فارسی).

پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار آمریکا و «تهدید جدی نظامی». هرچند از پرزیدنت جو بایدن به خاطر عدم پاسخ نظامی به فعالیت‌های منطقه‌ای بی‌ثبات‌کننده ایران انتقاد شده است،<sup>۱۴</sup> او سیاست علنی محکمی در قبال برنامه تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی اتخاذ کرده و قول داده است که «ایران هرگز در دوره تصدی من به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت».<sup>۱۵</sup> در «بیانیه مشترک شراکت استراتژیک آمریکا و اسرائیل» که از سوی پرزیدنت بایدن و یائیر لاپید نخست‌وزیر وقت اسرائیل در جولای ۲۰۲۲ امضا شد، بایدن حتی گامی فراتر نهاد و متعهد شد که آمریکا «هرگز به ایران اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای نخواهد داد»، و تاکید هم کرد که آمریکا «آماده استفاده از تمام عناصر قدرت ملی برای اطمینان از این نتیجه است».<sup>۱۶</sup> بایدن طی سخنرانی خود در نشست شورای همکاری خلیج فارس<sup>۳+</sup> در جده، چند روز بعد تکرار کرد که «آمریکا متعهد است تا اطمینان حاصل شود ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کند».<sup>۱۷</sup> ولی پیام‌رسانی موثر ۲۰ درصد حرف است و ۸۰ درصد عمل؛ واشنگتن باید اقدام کند تا اثر این اظهارات جدی را قوی‌تر سازد.

آمریکا اغلب دشمنان و همین‌طور دوستان را با چرخش‌های ناگهانی در سیاست خارجی غافلگیر می‌کند. واشنگتن باید از این شهرت برای حفظ حالت انتظار و نگرانی تهران از

ناکامی های قبلی در مقابله موثر با فعالیت های تهران در منطقه اغلب باعث جسورتر شدن ایران و نیروهای نیابتی اش و حملات بیشتر به منافع آمریکا شده است و، به علاوه، به آزمون کردن (تحمل آمریکا) و عبور از خطوط قرمز هسته ای منجر شده است. تهران احتمالاً مقابله آمریکا با فعالیت های منطقه ای خود را، در کنار توسعه و آزمون توانمندی های مورد نیاز آمریکا برای حمله پیشگیرانه خود یا متحدانش،<sup>۲۴</sup> نشانه ای از تمایل ایالات متحده به پاسخ نظامی در مقابل تلاش ایران برای تداوم انباشت، رسیدن به آستانه تسلیح، یا ساخت بمب می بیند. از این نظر، تلاش برای مهار جاه طلبی هسته ای ایران و مقابله با فعالیت های بی ثبات کننده منطقه ای اش مطلقاً در هم تنیده اند.

با این همه، واشنگتن در اتخاذ رویکردی فعالانه تر باید از خطوط قرمز خود تهران در صورت امکان اجتناب کند. پس آمریکا باید از تلاش برای توقف کامل صادرات نفت ایران بپرهیزد مگر آنکه آماده برخورد با یک پاسخ نظامی باشد؛ باید از حملات آشکار به خاک ایران بپرهیزد مگر تلافی حمله ای از طرف ایران یا عبور از خطوط قرمز هسته ای اش باشد؛ و نباید علناً دنبال تغییر رژیم در تهران باشد مگر وقتی منافع حیاتی آمریکا انجام چنین کاری را ناگزیر کند اما برای پاسخی سخت از سوی رژیم می که برای بقای خودش می جنگد هم آماده باشد.<sup>۲۵</sup>

جمهوری اسلامی می خواهد حتی از حمله اسرائیل اجتناب کند. برعکس، وقتی زیرساخت هسته ای ایران ساخته شد، حمله پیشگیرانه از سوی آمریکا یا اسرائیل ممکن است باعث شود تهران از معاهده ان پی تی خارج شود و استراتژی کاهش ریسک خود را کنار بگذارد و دنبال ساخت بمب برود.<sup>۲۱</sup>

حمله پیشگیرانه آمریکا یا اسرائیل همچنین ممکن است حزب الله لبنان را وارد درگیری کند و منجر به خسارت شدید به نیروی سنگین راکتی و موشکی گروه شود که ستون بازدارندگی استراتژیک ایران است و خسارت بزرگی به مهم ترین نیروی نیابتی ایران بزند. حزب الله، به نوبه خود، با یک تنگنا روبه رو خواهد شد: چطور بدون آسیب چشمگیر به حامیان خود یا زیرساخت غیرنظامی و نظامی خود، تعهداتش را در قبال تهران ادا کند.<sup>۲۲</sup>

برای بزرگ تر کردن اثر تعهدات آمریکا برای بازدارندگی ایران از دستیابی به بمب، آمریکا باید نسبت به گذشته، ریسک پذیری بیشتری در مقابله با فعالیت های منطقه ای ایران از خود نشان دهد. این گونه اقدامات صدای رساتری از هر گونه حرف و هشدار دارند. آمریکا باید به حملات منطقه خاکستری از سوی ایران و نیروهای نیابتی اش با کارزاری در منطقه خاکستری خودش پاسخ دهد: از فعالیت های عمدتاً مخفی و غیرقابل انتساب برای تحمیل هزینه بر جمهوری اسلامی استفاده کند و همزمان تنش را مدیریت کند و از درگیری بزرگ تر بپرهیزد.<sup>۲۳</sup>

## یادداشت ها:

1. Nima Gerami, *Leadership Divided? The Domestic Politics of Iran's Nuclear Debate*, Policy Focus 134 (Washington DC: Washington Institute, 2014), 3–8, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/leadership-divided-domestic-politics-irans-nuclear-debate>.
2. Regarding the vulnerability of the Bushehr reactor to precision drone and missile strikes and the implications for nearby populations, see Eva M. Lisowski, *Hot Mess Next: Missile Struck Reactors in the Middle East*, Occasional Paper 2107 (Arlington, VA: Nonproliferation Policy Education Center, 2021), <https://npolicy.org/hot-mess-next-missile-struck-reactors-in-the-middle-east-occasional-paper-2107/>.
3. Speech by Akbar Hashemi Rafsanjani, GlobalSecurity.org, translated by BBC Worldwide Monitoring, December 14, 2001, <https://www.globalsecurity.org/wmd/library/news/iran/2001/011214-text.html>. The BBC's translation has been amended slightly for accuracy, with "imperialism" replaced by "global arrogance."
4. Geoffrey Forden, "Reducing a Common Danger: Improving Russia's Early-Warning System," Policy Analysis 399 (Washington DC: Cato Institute, May 3, 2001), <http://www.cato.org/sites/cato.org/files/pubs/pdf/pa399.pdf>; and Scott Sagan, *The Limits of Safety: Organization, Safety, and Nuclear Weapons* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1993).
5. Lawrence Wittner, *Confronting the Bomb: A Short History of the World Nuclear Disarmament Movement* (Stanford, CA: Stanford University Press, 2009). See also Lawrence Wittner, "How Disarmament Activists Saved the World from Nuclear War," talk delivered in May 2013 to the Canadian Network to Abolish Nuclear Weapons, Ottawa, *Peace Magazine* 29, no. 4 (October–December 2013): 6, <http://peacemagazine.org/archive/v29n4p06.htm>.
6. Cham E. Dallas et al., "Nuclear War Between Israel and Iran: Lethality Beyond the Pale," *Conflict and Health* 7 (May 10, 2013), <https://conflictandhealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/1752-1505-7-10>.
7. Ibid.
8. Saeid Ashraf Vaghefi, "The Future of Extreme Climate in Iran," *Scientific Reports* 9, no. 1464 (February 6, 2019), <https://www.nature.com/articles/s41598-018-38071-8>; Richard Cincotta and Karim Sadjadpour, *Iran in Transition: The Implications of the Islamic Republic's Changing Demographics* (Washington DC: Carnegie Endowment for International Peace, 2017), <https://carnegieendowment.org/2017/12/18/iran-in-transition-implications-of-islamic-republic-s-changing-demographics-pub-75042>. There is a large and growing literature on how empires and civilizations collapse due to climate change, demographic pressures, pandemics, and war. See, e.g., Miroslav Barta and Martin Kovar, *Civilisations: Collapse*

- and Regeneration—Addressing the Nature of Change and Transformation in History* (Prague: Academia, 2019); Kyle Harper, *The Fate of Rome: Climate, Disease, and the End of an Empire* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2017); and Sing C. Chew, “From Harappa to Mesopotamia and Egypt to Mycenae: Dark Ages, Political-Economic Declines, and Environment/Climatic Changes 2200 B.C.–700 B.C.,” in *The Historical Evolution of World Systems*, ed. Christopher Chase-Dunn and E. N. Anderson (New York: Palgrave MacMillan, 2005), 52–74.
9. A one-megaton device (equal to one million tons of TNT) is roughly equivalent in yield to missile-delivered weapons used by several of the original nuclear weapons states. Previous studies have attributed to Israel the ability to build a weapon with such a yield. See Anthony H. Cordesman, “Iran, Israel, and Nuclear War,” Center for Strategic and International Studies, November 19, 2007, <https://www.csis.org/analysis/iran-israel-and-nuclear-war>. By way of comparison, the Hiroshima bomb was a sixteen-kiloton device (equal to 16,000 tons of TNT), while the largest nuclear weapon ever created was a fifty-megaton device tested by the Soviet Union in 1961 (equal to 50 million tons of TNT).
  10. Cham E. Dallas et al., “Nuclear War Between Israel and Iran: Lethality Beyond the Pale,” *Conflict and Health* 7, no. 10 (2013), <https://conflictandhealth.biomedcentral.com/articles/10.1186/1752-1505-7-10>; and Cordesman, “Iran, Israel, and Nuclear War,” <https://www.csis.org/analysis/iran-israel-and-nuclear-war>.
  11. Cordesman, “Iran, Israel, and Nuclear War,” <https://www.csis.org/analysis/iran-israel-and-nuclear-war>.
  12. Gerami, *Leadership Divided?* 20–22, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/leadership-divided-domestic-politics-irans-nuclear-debate>.
  13. According to Vipin Narang, the emergence of a consensus in favor of nuclear weapons often heralds a shift from hedging to a strategy of active proliferation. As a result, it is critical to keep domestic opinion regarding the desirability of nuclear weapons fractured to “[forestall] proliferation and keeping...hedger(s) hedging.” See Vipin Narang, *Seeking the Bomb: Strategies of Nuclear Proliferation* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2022), 6.
  14. Courtney Kube, Carol E. Lee, and Dan De Luce, “Iran-Backed Militias’ Attacks Against U.S. Targets Are Up. The U.S. Hasn’t Responded with Force Since Last Year,” NBC News, June 10, 2022, <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/attacks-iran-backed-militias-us-target-are-us-hasnt-responded-force-20-rcna32892>.
  15. Alexander Smith, “Biden Tells Israel that Iran ‘Will Never Get a Nuclear Weapon on My Watch’” NBC News, June 29, 2021, <https://www.nbcnews.com/news/world/biden-tells-israel-iran-will-never-get-nuclear-weapon-my-n1272591>.
  16. White House, “The Jerusalem U.S.-Israel Strategic Partnership Joint Declaration,” July 14, 2022, <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2022/07/14/the-jerusalem-u-s-israel-strategic-partnership-joint-declaration/>.
  17. White House, “Remarks by President Biden at the GCC+3 Summit Meeting,” July 16, 2022, <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2022/07/16/remarks-by-president-biden-at-the-gcc-3-summit-meeting/>.
  18. Ali Alfoneh, “IRGC Navy Warns Arab States Against Cooperation with Israel,” Arab Gulf States Institute in Washington, September 6, 2022, <https://agsiw.org/irgc-navy-warns-arab-states-against-cooperation-with-israel/>.
  19. See Michael Eisenstadt, “Were Iran and the United States Really ‘on the Brink’? Observations on Gray Zone Conflict,” *Lawfare*, September 27, 2020, <https://www.lawfareblog.com/were-iran-and-united-states-really-brink-observations-gray-zone-conflict>.
  20. Nadav Ben Hour and Michael Eisenstadt, “The Great Middle Eastern War of 2019,” *American Interest*, August 20, 2019, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/great-middle-eastern-war-2019>.
  21. If so, this would not be the first time that a conflict altered a state’s proliferation calculus; the 1967 Arab-Israeli war caused Israel to go from hedging to active proliferation. Avner Cohen, “Crossing the Threshold: The Untold Nuclear Dimension of the 1967 Arab-Israeli War and Its Contemporary Lessons,” *Arms Control Today* 37, no. 5 (June 2007): 12–16, <https://www.armscontrol.org/act/2007-06/features/crossing-threshold-untold-nuclear-dimension-1967-arab-israeli-war-its>. Likewise, the 1981 Osiraq raid caused Iraq to revamp and greatly expand its nuclear program and to take a much more focused and serious approach to proliferation. Bennett Ramberg, “Osiraq and Its Lessons for Iran Policy,” *Arms Control Today* 42, no. 4 (May 2012): 40–43, <https://www.armscontrol.org/act/2012-05/osirak-its-lessons-iran-policy>.
  22. Hezbollah’s Secretary-General Hassan Nasrallah could try to manage this tension by launching limited rocket, drone, and missile strikes against Israel from Lebanon and conducting terrorist attacks overseas, but he could not be sure he would be able to avoid yet another ruinous war with Israel, as occurred in 2006. See Associated Press, “Nasrallah: ‘If I Had Known...’” CBS News, August 27, 2006, <https://www.cbsnews.com/news/nasrallah-if-i-had-known/>. It is also possible, as Nasrallah has suggested on several occasions, that Hezbollah would do nothing at all—though comments to this effect may be calculated to reassure his supporters, as it would be very hard for Hezbollah to completely avoid getting dragged into a conflict between Israel and Iran. See “Nasrallah: If Israel Attacks Iran, Hezbollah Won’t Necessarily Join Fight,” *Times of Israel*, February 9, 2022, <https://www.timesofisrael.com/nasrallah-if-israel-attacks-iran-hezbollah-wont-necessarily-join-fight/>.
  23. Michael Eisenstadt, *Operating in the Gray Zone: Countering Iran’s Asymmetric Way of War*, Policy Focus 162 (Washington DC: Washington Institute, 2020), <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/operating-gray-zone-countering-irans-asymmetric-way-war>; and Michael Eisenstadt, *Deterring Iran in the Gray Zone: Insights from Four Decades of Conflict*, Policy Note 103 (Washington DC: Washington Institute, 2021), <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/deterring-iran-gray-zone-insights-four-decades-conflict>.
  24. See, e.g., Joseph Trevithick, “The Air Force’s New 5,000-Pound Bunker Buster Bomb Breaks Cover,” *The Drive*, October 12, 2021, <https://www.thedrive.com/the-war-zone/42714/the-air-forces-new-5000-pound-bunker-buster-bomb-breaks-cover>; Joseph Trevithick, “Air Force Updates Massive Ordnance Penetrator Bombs amid New Iranian Nuclear Posturing,” *The Drive*, November 5, 2019, <https://www.thedrive.com/the-war-zone/30872/air-force-updates-massive-ordnance-penetrator-bombs-amid-new-iranian-nuclear-posturing>; and Bradley Bowman and Enia Krivine, “Israel Has a KC-46 Problem. Here’s the Solution,” *Defense News*, April 21, 2022, <https://www.defensenews.com/opinion/commentary/2022/04/21/israel-has-a-kc-46-problem-heres-the-solution/>.
  25. In countering the Trump administration’s “maximum pressure” policy, Tehran was apparently willing to live with crushing sanctions that allowed some oil exports, but it responded forcefully to subsequent attempts, in May 2019, to completely halt them. Tehran has, moreover, been unable to respond effectively to every Israeli or American cyberattack on its critical infrastructure (e.g., the Stuxnet attacks between 2007 and 2010). Iran’s 2012 Aramco cyberattack was seen as payback for Stuxnet or for a cyberattack on Iran’s Kharg Island. It seems likely, however, that Tehran would respond harshly to overt U.S. attempts to foment regime change.

# نتیجه گیری

اطلاعات تجسسی بهنگام و صحیح به افشای تلاش هسته‌ای مخفیانه ایران در دهه ۲۰۰۰ کمک کرد، و باعث شد دست آخر ایران استراتژی کاهش ریسک را اتخاذ کند. اطلاعات تجسسی بهنگام و صحیح به همین ترتیب در تلاش‌های آتی برای منصرف کردن یا بازدارندگی تهران از ادامه انباشت مواد شکافت‌پذیر خود، یا تلاش برای رسیدن به آستانه تسلیح، و ساخت بمب، اهمیت حیاتی دارد.

به این منظور، واشنگتن باید از تمام اهرم‌های قدرت ملی -دیپلماتیک، اطلاع‌یابی، نظامی، اقتصادی، و سایبری- برای شکل‌دهی به حداکثر مولفه‌های ممکن برای تاثیرگذاری در محاسبات اشاعه هسته‌ای ایران استفاده کند. این استراتژی شکل‌دهی باید از نگرانی تصمیم‌گیرندگان ایرانی در موارد زیر بهره‌برداری یا آن‌ها را تشدید کند:

- تبدیل شدن ایران به یک دولت مطرود -که مانع از تصرف آن در نظام بین‌المللی مطابق منافع خود خواهد بود؛
- پتانسیل بی‌ثبات‌کنندگی تحریم‌های سخت -خصوصاً اگر با تلاش برای تحریک ناآرامی‌ها در جمهوری اسلامی از طریق کارزار خرابکاری و براندازی ترکیب شود؛
- پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار آمریکا و این احتمال که در نهایت مایل به استفاده از زور برای عقیم کردن جاه‌طلبی هسته‌ای ایران باشد؛
- ویرانی ناشی از حمله پیشگیرانه اسرائیل یا آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران -که ممکن است به عملیاتی وسیع‌تر علیه اهداف نظامی، اقتصادی، و دستگاه رهبری آن تبدیل شود؛
- آسیب‌پذیری سلاح‌های اتمی در برابر خرابکاری یا حملات سایبری -که می‌تواند زرادخانه اتمی نوپای ایران را به شمشیری دولبه تبدیل کند و علیه خود ایران

طرح اصلی (A) تهران برای رسیدن به بمب در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ -معروف به پروژه آماد- یک برنامه ضربتی بود که ظاهراً با این باور که لو نخواهد رفت شروع شد. اما لو رفت، و متعاقباً منجر به فشار شدیدی شد، و برای همین ایران به طرح جانشین (B) روی کرد: استراتژی کاهش ریسک که به ایران امکان دهد به طور تدریجی در تولید مواد شکافت‌پذیر پیش برود و همزمان ریسک آن را مدیریت کند و گزینه سلاح‌های هسته‌ای را برای خود حفظ کند.

با گذشت بیست سال از آن زمان، تهران چیزهای زیادی درباره آسیب‌پذیری خود در برابر نفوذ اطلاعاتی خارجی، و درباره ریسک‌ها و هزینه‌های احتمالی اشاعه هسته‌ای می‌داند. اما هنوز معلوم نیست آیا رهبران ایران استراتژی کاهش ریسک رژیم را چیزی می‌بینند که تا ابد می‌توانند با آن زندگی کنند، یا یک انحراف مسیر موقت است در انتظار بازگشت به نوعی از طرح اصلی آن‌ها: رسیدن آهسته آهسته به آستانه تسلیح، خروج پنهانی (از معاهدات)، یا ساخت سریع بمب.<sup>۱</sup>

این مسئله احتمالاً حل نشده است؛ برخی سیاست‌گذاران ایرانی شاید معتقد باشند که دلایلی معقول برای تداوم سیاست کاهش ریسک وجود دارد، اما دیگران شاید بر این باور باشند که دلایل خوبی برای ساخت بمب وجود دارد. چالش سیاست‌گذاران آمریکا این است که اطمینان حاصل کنند ریسک‌ها و هزینه‌های اشاعه و تردیدهای بالقوه ایران درباره سودمندی سلاح‌های اتمی باعث شود که اگر بازگشت از راه آمده ممکن نباشد، کاهش ریسک به موجه‌ترین استراتژی تبدیل شود. هدف سیاست آمریکا باید این باشد تا آنچه را که شاید تصمیمی موقت از سوی رهبری ایران بوده است -یعنی اتخاذ استراتژی کاهش ریسک- به سیاست دائمی بدل کند، و به تصمیم‌گیرندگان ایرانی تا جای ممکن دلایلی بدهد که مکرراً «کار (هسته‌ای) را به تعویق بیندازند».

تمایل تهران به انجام این کار احتمالاً تا حد زیادی به ارزیابی احتمالات و ریسک دوباره لو رفتن بستگی دارد.

به کار گرفته شود؛

- تاثیر بی‌ثبات‌کننده استقرار موشک‌های متعارف و اتمی هردو، که می‌تواند از سودمندی نیروی موشکی متعارف ایران بکاهد و احتمال خطای محاسباتی در یک بحران یا جنگ را افزایش دهد؛
- آسیب‌پذیری شدید ایران به حتی یک حمله اتمی محدود با توجه به مرکزیت سیاسی، اقتصادی، و نظامی تهران، که منجر به یک فاجعه ملی بی‌سابقه خواهد شد؛
- سودمندی نظامی محدود سلاح‌های اتمی برای محافظت از رژیم و قدرت‌نمایی آن؛
- احتمال بروز موجی از گرایش به اشاعه هسته‌ای در منطقه که می‌تواند تهدید وجودی علیه ایران ایجاد کند.

برخی فعالیت‌های شکل‌دهنده—مثلا عملیات تاثیرگذاری برای تشدید نگرانی تهران از ریسک‌ها، هزینه‌ها، و منافع نامعلوم سلاح‌های اتمی—باید مستمر و مداوم باشد. فعالیت‌های دیگر باید زمینه‌ساز اقداماتی شود که فقط وقتی ایران از خطوط قرمز آمریکا عبور کند اجرا خواهند شد: انزوای دیپلماتیک، اعمال تحریم‌های سخت، و کارزار خرابکاری و براندازی و، به عنوان آخرین چاره، اقدام نظامی. امید می‌رود این فعالیت‌ها سیاست‌گذاران ایرانی را وادار کند تا در عاقلانه بودن اشاعه هسته‌ای تردید کنند. در نتیجه، آمریکا زمان بخرد تا اهرم‌های اضافی فشار بر تهران را توسعه بخشد، و به محیط منطقه‌ای از راه‌هایی شکل دهد که بتواند جمهوری اسلامی را از ادامه این مسیر منصرف کند.

داشتن این استراتژی شکل‌دهی ضروری خواهد بود چه آمریکا و ایران به پایبندی متقابل به برجام برگردند چه برنگردند. چون برجام مشکل جاه‌طلبی هسته‌ای ایران را حل نمی‌کند—منتهای مراتب، «کار را به تعویق می‌اندازد» و از بحران اجتناب می‌کند تا وقتی که: (۱) مهم‌ترین محدودیت‌های توافق برداشته شود، و ایران اجازه یابد (بعد از سال ۲۰۲۸) ظرفیت غنی‌سازی را به میزان چشمگیری افزایش دهد و (بعد از سال ۲۰۳۱) مقدار نامحدودی از اورانیوم با عیار عالی یا اورانیوم تسلیحاتی تولید کند؛<sup>۲</sup> (۲) آمریکا یک بار دیگر از توافق خارج شود؛ یا (۳) ایران توافق را نقض کند، مواد شکافت‌پذیر را از تاسیسات تحت محافظت (پادمانی) به جای دیگری منتقل کند، یا تلاش کند بمب بسازد.

اگر آمریکا و ایران برجام را احیا کنند، واشنگتن باید با

متحدان و شرکا کار کند تا با استفاده از زمان خریداری‌شده، بعد از آنکه محدودیت‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران برداشته شد، ایران را از اشاعه هسته‌ای منصرف سازند.<sup>۳</sup> اگر هم نتوانستند برجام را احیا کنند، نوعی استراتژی شکل‌دهی به طور پیش‌فرض طرح جانشین (B) آمریکا برای مهار جاه‌طلبی هسته‌ای ایران خواهد بود.

هدف اصلی باید منصرف کردن یا بازدارندگی ایران از پیگیری انباشت، رسیدن به آستانه تسلیح، یا بمب باشد. واشنگتن باید دنبال توافقی گسترده با متحدان و شرکا راجع به خطوط قرمز هسته‌ای باشد که عبور از آن‌ها منجر به فشاری بی‌سابقه بر ایران بشود (از جمله احتمال اقدام نظامی) تا از این موارد ممانعت شده باشد:

انباشت اورانیوم غنی‌شده با عیار عالی (خط قرمزی که هم‌اکنون از آن عبور شده) یا تولید مواد شکافت‌پذیر در عیار تولید سلاح اتمی—که بازدارندگی هسته‌ای نهفته ایجاد می‌کند؛

انتقال اورانیوم با عیار عالی یا اورانیوم تسلیحاتی به سایت‌های مخفی تحقیق و توسعه [خارج از نظارت آژانس] یا تاسیسات مخفی غنی‌سازی یا تسلیح—که توانمندی «ضدبمباران» برای رسیدن به آستانه تولید بمب هسته‌ای ایجاد کرده باشد؛

تحقیق، توسعه، یا تولید اجزای سلاح‌های اتمی و مونتاژ آن‌ها به صورت بمب که یک سلاح اتمی بازدارنده فراهم کرده باشد.

این خطوط قرمز بایستی بی‌سروصدا به تهران منتقل شود، هر چند باید امیدوار بود که یک استراتژی شکل‌دهی موفق ضرورت اعمال آن‌ها را مرتفع کند.<sup>۴</sup>

اما واشنگتن با یک تنگنای مضاعف روبه‌روست. ایران هم‌اکنون در حال تولید اورانیوم با عیار عالی است (هم ۲۰ درصد و هم ۶۰ درصد)، که به خاطر ماهیت غیرخطی روند غنی‌سازی هم‌اکنون به ترتیب ۹۰ و ۹۵ درصد تلاش موردنیاز برای رسیدن به عیار کافی برای تولید سلاح اتمی را طی کرده است. این زمان اندک باارزشی را برای پاسخ آمریکا و متحدانش باقی می‌گذارد اگر ایران گام‌های اضافی را برای تولید اورانیوم تسلیحاتی (۹۳ درصد) بردارد؛ چون با سانتریفیوژهای پیشرفته خود سریعاً می‌تواند این کار را صورت دهد.<sup>۵</sup> در این صورت، اولویت اول، فشار بر تهران، برای توقف و در صورت امکان، به عقب برگرداندن—انباشت جاری اورانیوم با عیار عالی، با استفاده از تمام ابزارهای ممکن غیر از نیروی نظامی است.

علاوه بر این، ان.پی.تی انباشت مقدار نامحدودی از ماده

اشاعه هسته‌ای را در منطقه در پی آورد که مبنایی برای داشتن زرادخانه اتمی بزرگ خواهد شد.

وقت چه بسا تنگ باشد. برخی از عواملی که باعث شد ایران در گذشته به کاهش ریسک دست بزند ممکن است دیگر متقاعدکننده نباشد. و نفوذ فزاینده تندرورها در تهران ممکن است موازنه داخلی را به سمت اشاعه فعال در واپسین مرحله از دوره کاری رهبر ایران یا بعد از مرگ او تغییر دهد. این تندرورها ممکن است بر این باور باشند که:

- یک روسیه و چین آزرده و خشمگین (از غرب)، از ایران در برابر تلاش آمریکا برای انزوای آن محافظت خواهد کرد.
- «اقتصاد مقاومتی» ایران - شاید با کمک چین - می‌تواند تحریم‌های آمریکا را تاب آورد.<sup>۹</sup>
- نیروهای امنیتی رژیم می‌توانند با موفقیت با هرگونه ناآرامی یا «جنگ نرم» ملهم از خارج مقابله کنند.<sup>۱۰</sup>
- اسرائیل و آمریکا تمایل لازم برای یک حمله پیشگیرانه - که منجر به پاسخ سخت شود - ندارند.
- بسیاری از ایرانیان از تلاش برای ساخت بمب حمایت خواهند کرد - گرچه تندرورها در کل اهمیتی به افکار عمومی نمی‌دهند.<sup>۱۱</sup>

عده‌ای از این تندرورها شاید هم معتقد باشند که ضرورت نظامی، اعتبار و افتخار ایران، و نیاز به مقابله - به - مثل در تعامل با اسرائیل و آمریکا، دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را به یک ضرورت اخلاقی، سیاسی، و امنیت ملی تبدیل می‌کند.<sup>۱۲</sup> به این دلیل، درک تفاوت‌های سیاست‌گذاری بین جناح‌های تندرو حاکم از همیشه مهم‌تر است چرا که وقتی بحث جاه‌طلبی هسته‌ای کشور در میان است باید بدانیم چگونه آن‌ها ممکن است بر تصمیمات هسته‌ای تأثیر بگذارند.

بنابراین، تهران ممکن است نزدیک به یک نقطه عطف هسته‌ای باشد. در عین حال، احتیاط سنتی و ریسک‌گریزی رهبر ایران، و موفقیت استراتژی کاهش ریسک، و نیز زرادخانه سهمگین و روزافزون موشک‌های متعارف و پهپادی آن (که شاید سلاح‌های اتمی را - دست کم فعال - غیر ضروری کند)، ممکن است باعث شود ایران استراتژی کاهش ریسک خود را ادامه دهد. علاوه بر این، خامنه‌ای شاید نخواهد بار یک بحران هسته‌ای را بر دوش جانشین خود در آغاز دوره‌اش بگذارد تا او بتواند بر تحکیم قدرت خود تمرکز کند. ممکن است خامنه‌ای این را هم در نظر بگیرد که کاهش تحریم‌ها می‌تواند به تهران کمک کند تا ناآرامی‌هایی که کشور را در بر گرفته بهتر مدیریت کند. بر اساس

شکافت‌پذیر تسلیحاتی را مشروط بر آنکه تحت حفاظت (پادمانی) باشد مجاز می‌شمارد - که عملاً به کشورهای عضو اجازه رسیدن به بازدارندگی هسته‌ای نهفته را می‌دهد.<sup>۶</sup> ایران پیش‌تر بهانه‌ای برای تولید در این سطح تدارک دیده است: مکرراً اعلام کرده که قصد دارد ناو جنگی و زیردریایی با موتور هسته‌ای بسازد که با اورانیوم ۹۳ درصدی کار خواهد کرد.<sup>۷</sup> در این صورت، اولویت دوم این است که برای تهران روشن شود که آمریکا از تمام ابزارهای موجود، از جمله نیروی نظامی، برای ممانعت از تولید ماده شکافت‌پذیر تسلیحاتی استفاده خواهد کرد.

از نگاه موشکافانه به قانون منع اشاعه، تا وقتی تهران به موافقت‌نامه‌های پادمانی و ان.پی.تی پایبند است، آمریکا شاید مبنای حقوقی استواری برای تهدید نظامی در چنین موردی نداشته باشد. اما واشنگتن می‌تواند استدلال کند که تولید مواد شکافت‌پذیر تسلیحاتی از سوی تهران تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که تهدید نظامی را توجیه می‌کند، چون جمهوری اسلامی:

- کشوری از اعضای ان.پی.تی است که برنامه تسلیحات اتمی مخفی داشته و ممکن است هنوز جاه‌طلبی‌های هسته‌ای داشته باشد؛
- از پاسخ به پرسش‌ها راجع به ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای خود در گذشته و نشانه‌های اورانیوم پیداشده در سه سایت خارج از نظارت سر باز زده است - که موجب تردید در پایبندی آن به موافقت‌نامه‌های پادمانی و ان.پی.تی می‌شود؛
- بارها حقوق بین‌الملل را نقض کرده است - از جمله با گروگان‌گیری، حمله به سفارتخانه‌ها، ترورها، حملات سایبری به زیرساخت‌های غیرنظامی، تروریسم، و حملات به زیرساخت‌های نفتی و کشتیرانی؛
- با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل - قطعنامه‌ای که به برجام مشروعیت می‌بخشد - به ارسال سلاح به بازیگران در لبنان، سوریه، عراق، و یمن ادامه می‌دهد؛
- با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، از تهاجم روسیه به اوکراین حمایت نظامی اساسی می‌کند.<sup>۸</sup>

آلترناتیو این استدلال تن دادن از روی اکراه به انباشت احتمالی ذخایر انبوه اورانیوم با عیار عالی از سوی ایران است که می‌تواند به بازدارندگی نهفته بینجامد و موجی از گرایش به

بنابراین، واشنگتن باید آماده این احتمال باشد که تهران در استراتژی کاهش ریسک خود تجدید نظر کند و به اشاعه فعال بگردد. ایران شاید رسیدن به آستانه تسلیح اتمی را به صورت آهسته اما آشکار در پیش بگیرد (اگر هم اکنون در حال انجامش نباشد) یا به صورت مخفیانه پیگیری دستیابی به سلاح‌های اتمی را از سر بگیرد. اما احتمال بیشتر آن است که بخواهد به پله بعدی نردبان اشاعه برود: افزایش مرحله به مرحله در تولید اورانیوم تسلیحاتی یا از سرگیری فعالیت تسلیحاتی سری. این تأکیدی است بر نیاز فوری به استراتژی شکل‌دهی از سوی آمریکا برای تأثیرگذاری بر محاسبات اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی و «واداشتن ریسک‌گریزان به تداوم گریز از ریسک»،<sup>۴</sup> تا مبادا انفعال به نتیجه‌ای ختم شود که آمریکا دهه‌ها تلاش کرده از آن دوری کند.

این ملاحظات، احتمال بازگشت ایران به برجام وجود دارد. اما از آنجا که پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ۲۰۲۴ احتمالاً حاکی از بازگشت «فشار حداکثری» خواهد بود،<sup>۳</sup> خامنه‌ای شاید به این نتیجه برسد که برای تهران بهتر است در مواجهه با چنین احتمالی اورانیوم کافی برای ساخت تعداد زیادی بمب در اختیار داشته باشد تا اهرم‌های خود را به حداکثر برساند. بر این اساس، استراتژی احتمالی ایران تداوم کاهش ریسک در خارج از برجام خواهد بود. از طرف دیگر، علاقه رهبر ایران به تحکیم میراث خود، موضع نظامی بیش از پیش نیرومند و صریح ایران، پیشرفت‌های هسته‌ای چشمگیرش، و تمرکز جهان بر اوکراین ممکن است بازگشتی فعال به اشاعه هسته‌ای را وسوسه‌انگیزتر از آن کند که بتوان از آن صرف‌نظر کرد. رهبر ایران شاید هم معتقد باشد که یک بحران هسته‌ای طولانی به جلب حمایت برای جانشینش کمک کند همان‌طور که جنگ ایران و عراق به جمهوری اسلامی نوپا کمک کرد تا قدرت خود را در اوایل دهه ۱۹۸۰ تحکیم کند. بر اساس این ملاحظات، احتمال تلاش برای ساخت بمب وجود دارد.

## یادداشت‌ها:

1. These terms correspond, respectively, to the creep-out, sneak-out, and breakout scenarios described in Gary Samore, *How Close Is Iran to the Bomb? The Limits of Nuclear Breakout* (Crown Center for Middle East Studies, August 2022), <https://www.brandeis.edu/crown/publications/middle-east-briefs/index.html>.
2. David Albright, Sarah Burkhard, and Spencer Faragasso, "The Nuclear Deal in Charts, Assuming a Revived Nuclear Deal," Institute for Science and International Security, October 20, 2022, <https://isis-online.org/isis-reports/detail/the-nuclear-deal-in-charts-assuming-a-revived-nuclear-deal>.
3. A more carefully crafted nonproliferation strategy would have made 20% enrichment (which is 90% of the way to weapons grade) a U.S. red line, as this would have provided Washington with a much larger cushion. One benefit of returning to the JCPOA, then, is that it would allow for a "reset," enabling the United States and its allies to rigorously enforce a red line at 20% enrichment in the future.
4. These proposed red lines are more expansive than current and past U.S. nuclear red lines toward Iran, which have focused narrowly on preventing Iran from acquiring a bomb. The topic of red lines is a fraught one in Washington; policymakers generally seek to avoid commitments in order to preserve options, and the United States and Israel have often stepped back from past red lines they set regarding Iran's nuclear program. Moreover, President Barack Obama's renegeing on U.S. red lines vis-à-vis Syria's chemical weapons program in 2013 has given red lines a bad name. But they can be useful policy tools if they are carefully crafted, policymakers are committed to them, and they enjoy significant bipartisan support and broad public approval. They may, however, be difficult to operationalize, especially against adversaries like Iran that are adept at using incrementalism and ambiguity to erode or circumvent them. For an excellent treatment of this topic, see Shashank Joshi and Hugh Chalmers, *Iran: Red Lines and Grey Areas*, Royal United Services Institute Briefing Paper, April 2013. See also Graham Allison, "Red Lines in the Sand: Israel's Credibility Problem on Iran," *Foreign Policy*, October 11, 2012, <https://foreignpolicy.com/2012/10/11/red-lines-in-the-sand/>.
5. William J. Broad, "For Iran, Enriching Uranium Only Gets Easier," *New York Times*, March 8, 2010, <https://www.nytimes.com/2010/03/09/science/09enrich.html>.
6. This is one of a number of shortcomings of the NPT. For more on ambiguities, loopholes, and gaps in the treaty, see Leonard Weiss, "The Nuclear Nonproliferation Treaty: Strengths and Gaps," in *Fighting Proliferation: New Concerns for the Nineties*, ed. Henry Sokolski (Maxwell Air Force Base, AL: Air University Press, 1996), 31–55. See also David S. Jonas, "Ambiguity Defines the NPT: What Does 'Manufacture' Mean?" *Loyola of Los Angeles International Comparative Law Review* 36, no. 2 (2014): 263–80, <https://digitalcommons.lmu.edu/ilr/vol36/iss2/3/>.
7. "Iran Mulls Over Producing Nuclear-Powered Submarines: Navy Chief," PressTV, April 16, 2020, <https://www.presstv.ir/Detail/2020/04/16/623153/Iran-Hosseini-Khanzadi-Navy-nuclear-submarine>; Bozorgmehr Sharafedin and Shadia Nasralla, "Iran to Work on Nuclear-Powered Vessels After U.S. 'Violation' of Deal," Reuters, December 13, 2016, <https://www.reuters.com/article/us-usairan-nuclear-deals/iran-to-work-on-nuclear-powered-vessels-after-u-s-violation-of-deal-idUSKBN14212X>; Zahra Hosseinian, "Iran Plans Nuclear-Powered Submarine: Report," Reuters, June 12, 2012, <https://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear-submarine/iran-plans-nuclear-powered-submarine-report-idUSBRE85B17Q20120612>.
8. The United States, Britain, and France claim that paragraph 4, Annex B of UNSCR 2231 prohibits the transfer of delivery systems that fall under Missile Technology Control Regime restrictions (as set forth in S/2015/546), which reportedly includes drones of the type transferred to Russia. At any rate, UNSCR 2231 requires Security Council approval for such transfers, which were not obtained in this case. U.S. Department of State, "On Russia's Acquisition of UAVs from Iran," press statement, October 19, 2022, <https://www.state.gov/on-russias-acquisition-of-uavs-from-iran/>.
9. Patrick Clawson, "Iran's Next Budget Assumes No Nuclear Deal," PolicyWatch 3558, Washington Institute for Near East



- Policy, December 14, 2021, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-next-budget-assumes-no-nuclear-deal>.
10. Saeid Golkar, *The Evolution of Iran's Police Forces and Social Control in the Islamic Republic*, Middle East Brief 120 (Waltham, MA: Crown Center for Middle East Studies, 2018), <https://www.brandeis.edu/crown/publications/middle-east-briefs/pdfs/101-200/meb120.pdf>; and Saeid Golkar, *Taking Back the Neighborhood: The IRGC Provincial Guard's Mission to Re-Islamize Iran*, Policy Note 81 (Washington DC: Washington Institute, 2020), <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-neighborhood-irgc-provincial-guards-mission-re-islamize-iran>.
  11. Maysam Behraves, "Iran Is Starting to Want the Bomb," *Foreign Policy*, March 10, 2021, <https://foreignpolicy.com/2021/03/10/iran-is-starting-to-want-the-bomb/>. There is a lack of reliable longitudinal polling on whether people in Iran increasingly favor acquiring nuclear weapons, so such claims should be taken with a grain of salt. Regarding the "nuclear supporters" and their lack of regard for public opinion, see Nima Gerami, *Leadership Divided? The Domestic Politics of Iran's Nuclear Debate*, Policy Focus 134 (Washington DC: Washington Institute, 2014), 21, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/leadership-divided-domestic-politics-irans-nuclear-debate>.
  12. Michael Eisenstadt, *What Iran's Chemical Past Tells Us About Its Nuclear Future*, Research Note 17 (Washington DC: Washington Institute, 2014), 11–12, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/what-irans-chemical-past-tells-us-about-its-nuclear-future>.
  13. Amy Spiro, "In Israel, Mike Pence Says Future GOP Administration Will Rip Up Any New Iran Deal," *Times of Israel*, March 8, 2022, <https://www.timesofisrael.com/in-israel-pence-says-future-gop-administration-will-rip-up-any-new-iran-deal/>.
  14. Vipin Narang, *Seeking the Bomb: Strategies of Nuclear Proliferation* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2022), 6.

## نویسنده:

مایکل آیزنستات هموند دیوید کان و مدیر برنامه مطالعات امنیتی و نظامی در انستیتو واشنگتن است. او که متخصص مسائل امنیتی خلیج فارس و اعراب-اسرائیل است، به طور گسترده هم درباره جنگ متعارف و هم اشاعه سلاح‌های اتمی در خاورمیانه نوشته است و بیست‌وشش سال به عنوان افسر ذخیره ارتش آمریکا با ادوار خدمت فعال در عراق، اسرائیل، و ترکیه کار کرده است. از نوشته‌های اخیر او می‌توان اشاره کرد به: بازدارندگی ایران در منطقه خاکستری: نگرشی به چهار دهه منازعه؛ و نیز: ورای جنگ‌های ابدی و رقابت قدرت‌های بزرگ: بازاندیشی نقش نظامی آمریکا در خاورمیانه - که هر دو از سوی انستیتو واشنگتن در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است.



The Washington Institute for Near East Policy  
1111 19th Street NW, Suite 500  
Washington, DC 20036  
202 452 0650  
[WWW.WASHINGTONINSTITUTE.ORG](http://WWW.WASHINGTONINSTITUTE.ORG)